



University of Tehran press

The use of foreign words in the travelogue "Voyage Beyond Three Seas" by Afanasy Nikitin



Marzieh Yahyapour 0000-0001-8195-6909

Department of Russian Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Iran.
Email: myahya@ut.ac.ir



Janolah Karimi-Motahhar 0000-0002-6072-5797

Department of Russian Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Iran.
Email: jkarimi@ut.ac.ir

ABSTRACT

The travelogue "Voyage Beyond Three Seas" by Afanasy Nikitin is a multicultural and multilingual text. The narrative basis of the text is its journey and hardships, the route, the description of various cultures, trade, statecraft, and prayer in the languages of "own" and "other". Afanasy, a Christian merchant from Tver,'s passage through the three seas of Derbent (Caspian), India (Indian Ocean), and Istanbul (Black Sea) led him to become acquainted with various nations and religions other than Christianity, such as Islam and Hinduism. Afanasy's prayers in "Voyage Beyond Three Seas" are written mainly in Russian (his native language), Arabic, Persian, Turkish, and Mazani, given the author's connection with various ethnic groups. The purpose of the research is to answer the following questions: What are the reasons for mentioning the Asma al-Hosna, Quranic verses, and also prayers in Persian, Arabic, and Turkish in the work "Voyage..."? Did Afanasy convert to Islam by using foreign Islamic terms and phrases? The choice of the Iranian-Islamic name Khajeh Yusuf Khorasani and the use of Arabic terms and phrases, especially Asma al-Hosna and Quranic verses, as well as prayers in foreign languages, have led some researchers to conclude that he converted to Islam. However, by examining different versions, we see that he did not explicitly mention this issue in his autodocumentary prose and intertextual "Voyage..." and it seems that his goal was more to encourage intercultural and interreligious dialogue than to accept and proclaim another religion.

ARTICLE INFO

Article history:
Received: 17 June 2025
Received in revised form:
25 August 2025
Accepted: 5 September
2025
Available online:
Winter 2025

Keywords:

Afanasy Nikitin,
Multicultural text, the
words "own" and "other",
Persia, India, prayer.

Yahyapour, M. and Karimi Motahhar, J. (2025). The use of foreign words in the travelogue "Voyage Beyond Three Seas" by Afanasy Nikitin *Journal of Foreign Language Research*, 15(4), 313-324. <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.397482.1218>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.397482.1218>

* Marzieh Yahyapour Department of Russian Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Iran.

✉** Janolah Karimi-Motahhar Department of Russian Language and Literature, Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Iran.



انتشارات دانشگاه تهران

کاربرد واژگان بیگانه در سفرنامه «گذر از سه دریا» اثر آفاناسی نیکیتین

مرضیه یحیی پور*

گروه زبان و ادبیات روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران.

رایانامه: myahya@ut.ac.ir



جان‌اله کریمی مطهر**

گروه زبان و ادبیات روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران.

رایانامه: jkarimi@ut.ac.ir



چکیده

سفرنامه «گذر از سه دریا» اثر آفاناسی نیکیتین، متنی چندفرهنگی و چندزبانه است. اساس روایی متن، سفر و مشقات آن، مسیر، توصیف فرهنگ‌های گوناگون، تجارت، مملکت‌داری و نیایش به زبان‌های «خودی» و «دیگری» است. گذر آفاناسی، بازرگان مسیحی توری از سه دریای درپند (کاسپین)، هندوستان (اقیانوس هند) و استانبول (دریای سیاه) سبب شد تا او با ملت‌های گوناگون و با ادیانی غیر از مسیحیت مانند اسلام و هندو آشنا شود. نیایش‌های آفاناسی در «گذر از سه دریا» با توجه به ارتباط نویسنده آن با اقوام گوناگون به طور عمده به زبان‌های روسی (زبان مادری)، عربی، فارسی، ترکی و مازنی نوشته شده است. هدف پژوهش پاسخ به پرسش‌های پیش‌رو است: دلایل ذکر اسماء‌الحسنی، آیات قرآنی و همچنین نیایش به زبان فارسی، عربی و ترکی در اثر «گذر...» چیست؟ آیا آفاناسی با به‌کارگیری عبارات و واژه‌های بیگانه اسلامی مسلمان شد؟ انتخاب نام ایرانی - اسلامی خواجه یوسف خراسانی و به‌کارگیری واژه‌ها و عبارات عربی به‌ویژه اسماء‌الحسنی و آیات قرآنی و همچنین نیایش به زبان‌های بیگانه سبب شده تا برخی پژوهشگران به این نتیجه برسند که او به اسلام گرویده است اما با بررسی نسخه‌های مختلف می‌بینیم او در نثر خود مستند «گذر...» اشاره‌ای به این مسئله به صراحت نکرده است و به نظر می‌رسد هدف او بیشتر تشویق به گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و میان‌ادیان باشد تا پذیرش و اعلام دین دیگری.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴
تاریخ انتشار: زمستان ۱۴۰۴
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

آفاناسی نیکیتین، متن چندفرهنگی، واژگان «خودی» و «دیگری»، سرزمین پارس، هندوستان، نیایش

یحیی پور، مرضیه و کریمی مطهر، جان‌اله. (۱۴۰۴). کاربرد واژگان بیگانه در سفرنامه «گذر از سه دریا» اثر آفاناسی نیکیتین. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۵ (۴)، ۳۱۳-۳۲۴.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.397482.1218>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.397482.1218>

* مرضیه یحیی پور گروه زبان و ادبیات روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران.

** جان‌اله کریمی مطهر گروه زبان و ادبیات روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران.

۱- مقدمه

آفاناسی نیکیتین نویسنده «گذر از سه دریا» با نام ایرانی-مسلمانی خواجه یوسف خراسانی در طی سفر نزدیک به دو سال در سرزمین پارس (هشت ماه از آن را در شمال ایران گذراند) و چهار سال در هندوستان اقامت گزید. او در مسیر رفت و بازگشت سه دریا (کاسپین، هندوستان، سیاه) را طی نمود. سپس نرسیده به مبدأ حرکت، در اسمالنسک سفر پرمشقتش به پایان رسید، جایی که دفتر زندگی پرماجرا و اسرارآمیزش نیز بسته شد. یادداشت‌هایش را بازرگانان به دست مامیروف منشی ایوان سوم، کنیاز کبیر مسکو رساندند. دفتر یادداشت او ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. «گذر از سه دریا» کلام مردی ساده است که دغدغه میهن دارد و برای این کار با وجود خطرات جانی و مالی به کشورهای ناشناخته «به نفع سرزمین روس» سفر می‌کند تا راه را برای هم‌وطنان خود هموار سازد. تاریخ‌دان معاصر روس، دنیس خروستالیوف^۱ معتقد است که «سه بخش را می‌توان به‌عنوان نوشته‌های مجزا در «گذر...» شناسایی کرد: ۱- «سفر» به هند و بازگشت با آثار قوم‌نگاری. ۲- توصیف مسیر از هرمز تا چین با یادداشت‌های بازاریابی. ۳- خلاصه‌ای از جنگ‌های سلطان بهمنی و پادشاهی اعظم ویجایاناکارا با وضعیت، نتایج و آمار سربازان». (خروستالیوف، ۲۰۲۳، ص ۲۳)

۲- ژانر «گذر از سه دریا»

یادداشت‌های آفاناسی بیشتر اثری تاریخی است که در سدهٔ پانزدهم میلادی به رشتهٔ تحریر درآمد و با عنوان سفرنامهٔ «گذر از سه دریا» شناخته می‌شود. «گذر از سه دریا» آفاناسی نیکیتین میراث تاریخی منحصر به فرد است (آلیکسیف، ۲۰۰۹، ص ۷۰). سفرنامه‌ها از منابع و میراث ادبی محبوبی هستند که در قالب دفتر خاطرات و یادداشت‌های سفر توسط مسافر نوشته می‌شوند. سفرنامه از سبک‌های ادبی و از منابع پژوهشی، به حساب می‌آید. سفرهای فیزیکی از تجارب مهم انسان به شمار می‌رود که سیاح، بازرگان، زائر، دیپلمات، کاوشگر، جاسوس، مأمور اطلاعاتی یا پژوهشگر بازتاب آن را گاهی به شکل مکتوب

(سفرنامه)، برای آگاه کردن دیگران، از خود به جای می‌گذارد. در سفرنامه‌ها به مسائل متنوعی از جمله اوضاع سیاسی-اجتماعی، جغرافیایی، تاریخی تا خردترین آداب و سنن و ویژگی‌های یک ملت، قوم و یا فرد پرداخته می‌شود. گاهی مسافر در سفرنامه‌ها علاوه بر بیان مسائل عینی و فیزیکی، سفرهای معنوی، درونی و عرفانی (سیروسلوک) خود را نیز توصیف می‌کند، مانند «حسی در میقات» آل احمد که طی سفر حج و «گذر از سه دریا» آفاناسی نیکیتین که هنگام سفری کاوشی-تجاری نوشته شده‌اند، ضمن اینکه هر دو سفرنامه در واقع نثری خودمستند هستند. سفرنامهٔ آفاناسی نیکیتین دربارهٔ مشرق‌زمین متنی چندفرهنگی و چندزبانه است که از میان سفرنامه‌های روسی با قدمتی پانصد و پنجاه ساله جایگاه ویژه‌ای در محافل ادبی، تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی جهان به خود اختصاص داده است. سیمای مشرق‌زمین در «گذر از سه دریا» به‌عنوان نمادی از رمز و راز و جهان‌بینی‌های متفاوت نشان داده شده است.

۳- پیشینهٔ پژوهشی

یکی از نکات مهم در «گذر...» واژه‌ها و عبارات بیگانه به زبان عربی، فارسی، مازنی و ترکی است. پژوهشگرانی مانند کاظم بیک^۲، ای. پ. مینایف^۳، یو. ن. زاوادوفسکی^۴، آ. د. ژیل تیکوف^۵، پاول آلیکسیف^۶ پیش از این درباره کاربرد برخی واژگان زبان‌های متفاوت در «گذر...» نوشته‌اند اما هیچ‌یک به واژه‌های زبان‌های ایرانی مانند مازنی اشاره‌ای نکردند و برخی از آنها در انتقال تعدادی از واژه‌های فارسی نیز دچار اشتباه شده و یا آنها را تحریف کرده‌اند.

کاظم بیک نخستین کسی بود که در سال ۱۸۵۳م. در خصوص واژگان شرقی تحقیق کرد ولی او به همهٔ واژه‌ها و عبارات شرقی در «گذر...» اشاره نکرده است ضمن اینکه برخی از واژه‌ها را نادرست منتقل کرده است، مانند آهک که تا به امروز همهٔ پژوهشگران به پیروی از او به اشتباه این واژه را сердолик (سردالیک) ترجمه می‌کنند (کاظم بیک، ۱۸۵۳، ص ۳۵۶) و مؤلفان مقاله برای نخستین بار هنگام ترجمه این اثر به فارسی متوجه این اشتباه شده‌اند. آهک در زبان روسی известь (ایزوست) است. در توضیحات او و

۲. Завадовский Ю. Н.

۳. Желтяков А. Д.

۴. Алексеев П. В.,

۱. Хрусталёв Д. Г.

۲. Казембек А. К.

۳. Минаев И. П.

سایر پژوهشگران تعدادی از واژه‌ها و عبارات بیگانه حذف شده است.

«تاریخچه مطالعه «گذر...» با ن. م. کارامزین (کارامزین ۱۸۱۷) آغاز شده است و صدها عنوان کار پژوهشی را در بر می‌گیرد. علی‌رغم دو سده توجه دقیق پژوهشگران به «گذر...»، بسیاری از مسائل همچنان بحث‌برانگیز یا به‌اندازه کافی مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند». (بابروف، ۲۰۲۵، ص ۱۳) طبق نظر بابروف^۱ تنها شش نسخه از هفت نسخه «گذر از سه دریا» اشاره شده در تاریخ‌نگاری‌ها موجود است (بابروف، ۲۰۲۴، ص ۲۴۲). از میان شش نسخه، نسخه‌های زیر بیش از سایرین مورد استفاده پژوهشگران قرار می‌گیرند:

- تثلیث (ارمولین) سده پانزدهم که در متون با حرف T. یا Троицк. изв. نشان داده می‌شود.

- نسخه دست‌نویس اِتر (لیووف) "Etter" سده شانزدهم که در متون با حرف Л. یا Этт. نشان داده می‌شود.

- سالنامه سوخانوف سده هفدهم که در متون با حرف C. نشان داده می‌شود. بیشترین تحریف و حذف واژه‌های شرقی در این نسخه صورت گرفته است.

مبنای پژوهش ما ترجمه فارسی «گذر از سه دریا»ی آفاناسی نیکیتین، از ترجمه معاصر سال ۱۹۸۶ از ل. س. سیمیونف^۲ (مترجم متن روسی باستان) و آ. د. ژیل‌تیکوف (مترجم واژه‌ها و عبارات شرقی) است.^۳ در برگردان واژه‌ها و عبارات شرقی به فارسی، افزون بر توضیحات آ. د. ژیل‌تیکوف، از سالنامه‌های تثلیث و اِتر نیز استفاده شده، چراکه برخی واژه‌ها و عبارات شرقی، به‌ویژه فارسی نسخه‌های اِتر و تثلیث در ترجمه معاصر یا به‌طور کامل حذف، یا جایگزین نادرستی برای آنها انتخاب شده است. در متن مقاله ترجمه فارسی عبارات غیرروسی، از جمله ترکی،

فارسی، مازنی، هندی و عربی در [] قرار می‌گیرند و آوانگاری لفظ و نوشتار در سالنامه‌های تثلیث و اِتر، مبنای قرار گرفته است.

۴- تاریخچه ترجمه «گذر از سه دریا»

اهمیت سفرنامه «گذر از سه دریا»ی آفاناسی نیکیتین، سبب شد تا به ۱۶ زبان دنیا در سال‌های گوناگون و حتی به برخی از زبان‌ها چندین بار ترجمه شود. این ترجمه‌ها عبارتند از، «آلمانی (۱۸۳۵، ۱۹۲۰، ۱۹۶۶)؛ انگلیسی (۱۸۵۷، ۱۹۶۰، ۱۹۷۴، ۱۹۸۵)؛ چکی (۱۹۵۱)؛ لهستانی (۱۹۵۲)؛ هندی (۱۹۶۰)؛ سوئدی (۱۹۶۱)؛ ایتالیایی (۱۹۶۸، ۲۰۲۴)؛ فرانسوی (۱۹۷۸، ۱۹۸۲)؛ اسپانیایی (۱۹۸۵، ۲۰۱۶)؛ ژاپنی (۲۰۰۳-۲۰۰۳)؛ دانمارکی (۲۰۰۴)؛ ترکی (۲۰۱۳)؛ ملیالم (۲۰۲۲)؛ فارسی (۲۰۲۴/۱۴۰۳) و چینی (زیر چاپ ۲۰۲۴)» (بابروف، ۲۰۲۵، ص ۱۳). به این آمار می‌توان ترجمه سال ۲۰۲۵ به زبان مَرّاتی (از زبان‌های کشور هند) را افزود که در دست چاپ است.

۵- توصیف فضای بیگانه

آفاناسی در «گذر...» به شروع و پایان سفر خود و همچنین تاریخ نگارش اثرش هیچ اشاره‌ای نکرده است. پژوهشگران براین باورند که زمان نگارش اثر به نیمه دوم سده پانزدهم میلادی، نزدیک به سال ۱۴۷۵ برمی‌گردد. حضور وی در سرزمین پارس مصادف با سال‌های پایانی حکومت ابوسعید ۱۴۶۹-۱۴۵۱ م، پادشاه ماوراءالنهر (فرارود) و خراسان، که آفاناسی به مسموم کردن او در اثر خود اشاره کرده است، و شروع سلطنت سلطان حسین بایقرا (سال‌های فرمانروایی ۱۵۰۶-۱۴۷۰ م) در خراسان بزرگ به مرکزیت

۳. Хожение за три моря Афанасия Никитина: [текст, перевод, комментарий] / АН СССР; изд. подгот. Я. С. Лурье и Л. С. Семенов; [отв. ред. Я. С. Лурье]; [тексты подгот. М. Д. Каган-Тарковская; пер. А. Д. Желтякова и Л. С. Семенова; ст., археогр. обзор и текстол. коммент. Я. С. Лурье; хронол. коммент. Л. С. Семенова]. Л.: Наука, 1986. — 213 С. (Литературные памятники)

«گذر از سه دریا» اثر آفاناسی نیکیتین: متن، ترجمه، توضیحات. فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی. ل. س. سیمیونف مترجم متن روسی باستان و آ. د. ژیل‌تیکوف، مترجم واژه‌ها و عبارات شرقی. تدوین‌کنندگان ی. س. لوریه و ل. س. سیمیونف. لنینگراد: انتشارات ناوکا، ۱۹۸۶

۱. Бобров А. Г.

۲. Семенов Л. С.

هرات^۱ از سلسله تیموریان و همچنین دودمان ترکمان آق‌قویونلوها است:

«اما همه جا [بولگاک]^۲ هست و همه جا شاهان را از پای درمی‌آورد. میرزا جهان‌شاه به دست اوزون حسن بیک^۳ به قتل رسید و سلطان ابوسعید را مسموم کردند. اوزون حسن بیک شیراز را فتح کرد، اما مردم آن سرزمین او را به رسمیت نشناختند و یادگار محمد (یادگار محمد میرزا، نوه بایسنقر میرزا) نزد او نمی‌رود: می‌ترسد». (آفاناسی نیکیتین، ترجمه یحیی پور و کریمی مطهر، ۱۴۰۳، صص ۶۹-۷۰)^۴.

حضور چهارساله آفاناسی در هند بهمنیان مصادف با حکومت شمس‌الدین محمد شاه سوم، سیزدهمین سلطان سلسله بهمنیان، ملقب به لشکری در سال‌های ۱۴۶۳ تا ۱۴۸۲ میلادی می‌باشد. زبان رسمی و درباری رایج در سلطنت بهمنیان در آن دوره فارسی و دین آنها اسلام بود و آفاناسی نیکیتین نیز در اثرش به مورد دوم اشاره کرده است. همین‌طور مصادف است با حکومت ماهاراجا ویروپاکشا دوم، پادشاه اعظم امپراتوری ویجایاناکارا که آفاناسی نیکیتین برای او لقب «سلطان خادم» را در اثر خود آورده است (ص ۸).

آفاناسی نیکیتین در شرح سفر و ورودش به ساحل جنوبی کاسپین در سفرنامه خود نوشته است که چگونه از طریق دریای کاسپین از دربند به باکو و سپس وارد شهر چاپاکور (چبوکار) واقع در ساحل جنوبی کاسپین شد. او پس از اقامت شش‌ماهه در چاپاکور، تصمیم می‌گیرد با خرید اسبی اصیل، دریایی از هرمز به هندوستان برود. سپس به شهر ساری و از آنجا به آمل رفت که در هر کدام از این شهرها به مدت یک ماه اقامت داشت. مسیرهای بعدی او شهرهای دماوند، ری، کاشان، نائین، یزد، سیرجان، طارم، لار و غیره بود که به شهر هرمز کهنه^۵ ختم می‌شد و از آنجا با تاوا (کشتی‌های هندی) راهی هندوستان شد. در بازگشت از هند او تا هرمز را دریایی و از هرمز با عبور از شهرهای لار، شیراز، ابرکوه، یزد، اصفهان، کاشان، قم، ساوه، سلطانیه و تبریز از راه خشکی به مقر اوزون حسن بیک می‌رود و سپس به ارزنجان،

ترابزون، کافا رفته و از راه دریای استانبول (دریای سیاه) خود را به حومه اسمالنسک رساند.

بیشترین مطالب سفرنامه آفاناسی بر اساس دیده‌ها، تجربیات، رخدادهای باورها و احساسات عاطفی نقش گرفته است، ولی نویسنده به‌ندرت روایات، افسانه و شنیده‌هایی را نیز در اثر خود می‌گنجاند: «از دماوند به ری رفتیم. در اینجا حسین، یکی از فرزندان علی و از نوادگان محمد را کشتند و نفرین محمد بر قاتلان نازل شد و هفتاد شهر ویران شد». (ص ۲۶). به نظر می‌رسد آفاناسی نیکیتین زمانی که به ری پایتخت دینی تیموریان، از کهن‌ترین شهرهای جهان می‌رسد مصادف با مراسم تاسوعا و عاشورای حسینی بوده است. او از روایتی یا افسانه‌ای صحبت می‌کند که مربوط به نفرین پیامبر اکرم (ص) بر قاتلان امام حسین (ع) است که در پی آن هفتاد شهر ویران گشت. مسئله‌ای که هیچ سندیتی ندارد (همان).

آفاناسی هنگام ترسیم و توصیف تصاویری از فضای بیگانه به جنبه‌های گوناگون می‌پردازد. او پیرامون مسائل خانواده، آشپزی، ادویه، کشاورزی، صنایع، نساجی، رنگرزی، هواشناسی، ستاره‌شناسی، سنگ‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، قوم‌نگاری، دادوستد، آداب و سنن (مانند لباس پوشیدن)، آمار و ارقام، کشورداری، لشکرکشی و مارش نظامی گرفته تا تشریح ادیان و غیره به چندین زبان سخن می‌گوید و برای بیان برخی مسائل در متن سفرنامه از واژگان بیگانه بهره جسته است.

۶- زبان اثر و واژگان توصیف‌کننده فضای بیگانه

همان‌طور که اشاره شد، از ویژگی‌های بارز زبانی «گذر از سه دریا» که قابل تأمل است وجود واژگان و عبارات غیروسی در اثر است. در «گذر از سه دریا» واژگان توصیف‌کننده فضای بیگانه به دو گروه تقسیم می‌شوند.

گروه اول: اخلاقی و معنوی

گروه دوم: معیشتی و زمینی که گاهی هم توصیف‌کننده مسائل غیراخلاقی است.

^۱ از این پس کلیه نقل قول‌ها از این منبع در متن مقاله تنها با ذکر شماره صفحه داخل پرانتز خواهد آمد.

^۲ آفاناسی نیکیتین در اثر خود ذکر کرده از شهرهای زیادی گذشته که همه را نام نبرده است.

^۱ هرات و برخی از مناطق در زمان سفر آفاناسی نیکیتین در زمان تیموریان منضم به سرزمین پارس بود.

^۲ واژه تاتاری قدیم به معنای هرج‌ومرج و نزاع است.

^۳ ابوالنصر حسن بیک معروف به سلطان حسن بایندر، حسن پادشاه و اوزون حسن (۱۴۲۳-۱۴۷۸ م).

هنگامی که آفاناسی دست به دعا برمی‌دارد از عبارات و واژه‌های عربی، فارسی و ترکی بیشتر استفاده می‌کند تا زبان مادری. اما برای بیان واقعیت‌های غیراخلاقی که او در جامعه هندو شاهد آن بود به زبان ترکی متوسل می‌شود.

ارزش «گذر...» در این است که ایران باستان و مشرق‌زمین از منظر یک خارجی ساده، بازرگان و نویسنده غیرحرفه‌ای، با زبان‌های گوناگون و با به‌کارگیری واژه‌های بیگانه توصیف می‌شود. آفاناسی نیکیتین تلفیقی از کهن الگوهای شرقی و روسی را به تصویر می‌کشد. چگونه آداب و فرهنگ خارجی توسط نویسنده درک و توصیف می‌شود؟ ارتباط او با افراد «بیگانه» چگونه است؟ هنگام بررسی «گذر...»، می‌بینیم که آفاناسی نیکیتین در نگرش خود نسبت به ملل مختلف، ادیان، آداب و رسوم و سنت‌های «بیگانه» بسیار انعطاف‌پذیر است. گواه این امر، انتخاب نام فارسی-بسرمانی (مسلمانی) «خواجه یوسف خراسانی» برای خود است. آفاناسی در میان افرادی با مذاهب گوناگون در هندوستان زندگی مسالمت‌آمیزی داشت. او در اثر اشاره می‌کند که در هندوستان هشتاد و چهار دین وجود دارد. «در هند هشتاد و چهار دین هست و همه به [بت] اعتقاد دارند. اما افراد ادیان گوناگون با یکدیگر مشروب نمی‌نوشند، غذا نمی‌خورند و ازدواج نمی‌کنند.» (ص ۴۰)

تلفظ فارسی واژه هندوستان مورد پسند آفاناسی است و او چندین بار در اثر به این مسئله اشاره کرده است و این واژه را همان‌طور که در زبان فارسی گفته می‌شود در متن «گذر...» می‌نویسد.

لیخاچیف^۱ اندیشمند روس پیرامون ویژگی زبان اثر و رسالت سفر آفاناسی نیکیتین چنین گفته است: «یادداشت‌های آفاناسی نیکیتین، آن‌طور که در روسیه باستان فهمیده می‌شد، به لحاظ کیفیت ادبی خود، متمایز نیستند. در آنها نه آراستگی ادبی وجود دارد و نه دغدغه‌ای برای سبک. او ساده می‌نویسد و در همین سادگی جذابیت ویژه آن نهفته است. آفاناسی نیکیتین، سیاح روس شجاع، پیگیر، دقیق و کنشگر چنین بود که می‌دانست چگونه به شکل شایسته‌ای به آداب و رسوم بیگانگان ارج بنهد، بدون آنکه به آداب و رسوم خود خیانت کند.» (لیخاچیف ۱۹۷۹،

۳۹۹)

یکی از شیوه‌های توصیف فضای بیگانه استفاده از واژگان و تصاویر تضاد و تقابل است. آفاناسی به کمک واژگان و تصاویر تضاد و تقابل از تبعیض و ظلم در هند و جهان صحبت می‌کند. واژگان و تصاویری که بیانگر تضاد در سطوح اجتماع است: «سرزمین پرجمعیتی است و مردم روستا بسیار فقیر هستند، اما اربابان قدرت زیادی دارند و بسیار ثروتمند هستند. اربابان را بر تخت‌های روان نقره‌ای حمل می‌کنند و در پیشاپیش آنها اسب‌ها، آری بیست اسب را با یراق زرین هدایت می‌کنند و پشت سر آنها سیصد سواره‌نظام و پانصد پیاده‌نظام و ده شیپورچی و ده طبل‌زن، ده نفر [نقاره‌چی] و ده فلوت‌نواز هستند» (ص ۳۸).

در مسیر این سفر پرحادثه، آفاناسی به چند مورد ناگوار نیز اشاره می‌کند که مرتبط با مسلمانان است. مورد اول مربوط به شروع سفر است که سه تاتار با توسل به حيله از مسافران کشتی هدایایی دریافت می‌کنند تا حضور آنها را به تزار گزارش نکنند ولی به وعده خود عمل نکرده و مسافران کشتی را دچار دردسر کردند. در دهانه ولگا نیز کشتی به گل نشست و همه اموال آنها را غارت کردند و چند نفر را نیز به اسارت گرفتند:

«از اوردا و اوسلان و سرای و بریکزان به سلامت عبور کردیم. وارد رود بوزان شدیم. آنگاه سه تاتار کافر جلوی ما ظاهر شدند و به ما خبر دروغ دادند: «قاسم سلطان در بوزان در کمین بازرگانان نشسته و سه هزار تاتار همراه اوست». حسن‌بیک سفیر شروان شاه به هرکدام یک خفتان بلند و یک توپ پارچه پیراهن کتان داد تا ما را از کنار آستراخان عبور دهند. آن تاتارهای کافر هرکدام خفتان را گرفتند، ولی خبر را در آستراخان به گوش تزار رساندند. من با رفقایم کشتی خود را ترک کردیم و سوار بر کشتی سفارت شدیم.

ما از کنار آستراخان عبور کردیم و ماه می‌درخشید و تزار ما را دید و تاتارها سر ما فریاد می‌زدند: «کاچما!» (فرار نکنید!) اما ما چیزی نشنیدیم و زیر بادبان برای خود می‌تاخیم. برای خطایمان، سلطان همه نیروهای خود را به دنبال ما روانه ساخت. آنها در بوگون ما را گیر انداختند و شروع به تیراندازی به سمت ما کردند. آنها به یک مرد از افراد ما تیراندازی کردند و ما به دو نفر تاتار شلیک کردیم. کشتی کوچک‌تر ما در نزدیکی یز (سد چوبی ماهیگیری در

۱. Лихачёв Д. С.

رودخانه) گیر کرد و بلافاصله آن را گرفتند و غارت کردند و تمام اموال منقول (خرده ریزه‌های) من در آن کشتی بود». (صص ۳۳-۳۴).

این پایان ماجرای غارت اموال و اذیت و آزار نبود و مشکلات شروع سفر همچنان ادامه داشت:

«سوار بر کشتی بزرگی به دریا رسیدیم اما کشتی در دهانه ولگا به گل نشست و سپس ما را گیر انداختند و دستور دادند کشتی را از رودخانه تا محل سد ماهیگیری رودخانه بالا بکشیم. کشتی بزرگ ما را در اینجا غارت کردند و چهار نفر روس را اسیر گرفتند و ما را دست خالی به آن سوی دریا فرستادند. ولی نگذاشتند از رودخانه به سمت بالادست برگردیم تا هیچ خبری را گزارش نکنیم.

ما پس از گریه و زاری، با دو کشتی به دریند رفتیم؛ در یک کشتی شامل سفیر حسن‌بیک، تزیکی‌ها و ما روس‌ها که ده نفر بودیم. در کشتی دیگر، شش مسکویی و شش توری و گاو و آذوقه ما بودند. دریا توفانی شد و کشتی کوچک‌تر ما، با برخورد به ساحل به گل نشست. اینجا قلعه تارکی است. مردم به ساحل آمدند و کایتاکی‌ها آمدند و همه را به اسارت گرفتند.

و ما به دریند رسیدیم و غارت شده...

به مقر شروان‌شاه رفتیم و خاضعانه درخواست کردیم امکاناتی برای ما فراهم کند تا به سرزمین روس برگردیم اما او چیزی به ما نداد؛ گفت تعدادمان زیاد است. ما پس از گریه و زاری، هر یک به سویی رفتیم: کسی که در سرزمین روس چیزی برایش باقی مانده بود، به آنجا برگشت، هر کس بدهکار بود، به هرکجا که چشمش می‌افتاد، رفت. برخی دیگر در شماخی ماندند و عده‌ای برای کار به باکو رفتند» (صص. ۳۳-۳۴).

مورد دیگر مربوط به حضورش در جونار است زمانی که خان فهمید او بسرمن نیست با تصاحب اسبش که تنها دارایی او بود و با تهدید از او خواست مسلمان شود اما با وساطت، محمد خزانه‌چی خراسانی اسبش را به او برگرداندند و اجازه دادند تا برود. فشار به‌اندازه‌ای بود که او به هم‌کیشان خود توصیه می‌کند: «دین خود را در سرزمین روس جا بگذار و با پذیرش دین محمد، به سرزمین [هندوستان] برو» (ص ۳۴). او ماجرای جونار را چنین تعریف می‌کند:

«و در جونار، خان که فهمید من بسرمن نیستم، بلکه روس هستم، اسبم را از من گرفت و گفت: «اسب را برمی‌گردانم و هزار سکه طلا هم هدیه می‌دهم، فقط به دین ما، به [دین] محمدی، بپیوند. اگر به دین ما، یعنی [دین] محمدی ایمان نیآوری، من، هم اسب را می‌گیرم و هم هزار سکه طلا جریمه‌ات می‌کنم». او ضرب‌الاجلی چهار روزه تا روز منجی و زمان روزه رحلت تعیین کرد. آری خداوند در عید شریفش رحم کرد و من گناهکار را به لطف و رحمت خود، رها نکرد و نگذاشت در جونار در میان کفار هلاک شوم. در آستانه روز منجی، محمد خزانه‌چی [خراسانی] از راه رسید و در مقابلش پیشانی بر خاک نهادم و التماس کردم برایم کاری کند. او به شهر نزد اسدخان رفت و از او خواست مرا مجبور به ایمان آوردن به اعتقادات خود نکنند و اسب مرا از خان پس گرفت. معجزه خداوند در روز منجی چنین است. همین‌طور، ای برادران مسیحی روس! اگر کسی از شما می‌خواهد به سرزمین هند برود: دین خود را در سرزمین روس جا بگذار و با پذیرش دین محمد، به سرزمین [هندوستان] برو». (صص ۳۳-۳۴)

بار دیگر در بازار هنگام خرید اجناس فهمید مسلمانان به او دروغ گفته‌اند از شدت عصبانیت لفظ سگ را برای آنها به کار برد:

«بسرمن‌های سگ به من دروغ گفتند. آنها گفتند از اجناس ما زیاد است اما برای سرزمین ما چیزی نیست: همه کالاهای ارزشمند و شایسته، فلفل برای سرزمین بسرمن‌ها است و همین‌طور رنگ [نیل]، همه هم ارزان هستند. کسانی که گاو را به خارج از کشور حمل می‌کنند، عوارض پرداخت نمی‌کنند اما به ما اجازه نمی‌دهند مال‌التجاره را بدون پرداخت عوارض به خارج حمل کنیم. عوارض بالاست و دزدان دریایی هم زیاد. [کافران] راهزنی می‌کنند، مسیحی نیستند و بسرمن هم نیستند: [بت‌های] سنگی را ستایش می‌کنند و مسیح و محمد را نمی‌شناسند.» (ص ۳۴)

شایان ذکر است که در میان واژه‌های توهین، ناسزا و زشت، واژه سگ بار منفی چندان زیادی نسبت به سایر واژه‌های ناسزا و توهین‌آمیز در زبان روسی ندارد. چنانکه می‌بینیم آنتون چخوف^۱ نویسنده شهیر روس در نامه‌های خود به همسرش، اولگا کنیپر از واژه‌های غیرمعمول در

۱. Чехов А.П.

صحبت استفاده می‌کند که در اینجا از ده‌ها مورد به چند نمونه اشاره می‌شود: «سگ کوچولو»، «سگ کوچولوی عصبانی»، «سگم را می‌بوسم و تحمل می‌کنم»، «سگ نازنینم».

пёсик лютый и лошадиная моя собачка.
(Чехов)

سگ کوچولوی عصبانی من و سگ کوچولوی اسبی من.

Собачка, милый мой пёсик... (Чехов)

سگ کوچولوی عزیزم، سگ کوچولوی نازنینم،

Целую и терплю мою собаку (Чехов)

سگم را می‌بوسم و تحمل می‌کنم

Милая моя собака (Чехов)

سگ نازنینم

(چخوف، نامه‌ها)

در بازگشت هم در ترابزون همه اموال خویش را دزدیدند: «و در همان ترابزون [سوباشی] و [پاشا] من را بسیار زیاد مورد اذیت و آزار قرار دادند. همه به من دستور دادند بارها را تا [صبح] به قلعه پیش آنها، به بالای کوه ببرم و همه چیز را تفتیش کردند. هرچه خرده‌ریزه‌های خوب بود، همه را دزدیدند. آنها به دنبال مرقومه‌ها بودند، زیرا من از مقر اوزون حسن بیک می‌آمدم.» (ص ۷۹)

اما آفاناسی با وجود غارت اموال در شروع سفر، فشار مسلمانان در پذیرش اسلام و فریب دادن وی، از مسلمانان و نیایش‌های آنها روی گردان نبود. نیایش‌های اسلامی او به زبان‌های ترکی، فارسی، مازنی و عربی تقریباً سراسر متن اثر را دربرگرفته است.

تنوع زبانی و گستردگی موضوعات در سفرنامه سبب شده است تا پژوهشگران و تاریخ‌نگاران تاکنون نتوانند مشخص کنند که آفاناسی نیکیتین چرا راهی این سفر شد. او یک بازرگان ساده بود، یا مأمور دولت و کلیسای ارتدوکس برای جمع‌آوری اطلاعات و یا موادی برای تهیه روغن مقدس غسل تعمید بود؟ آیا در این سفر او از حمایت دولت و کلیسا برخوردار بود؟ آیا او با حضورش در سرزمین پارس و هند بهمنیان به اسلام گروید؟ علت انتخاب اسم ایرانی خواجه یوسف خراسانی و به‌کارگیری آیات قرآن و دعاها (به‌ویژه اسماء‌الحسنی) به زبان‌های عربی، ترکی و پارسی چیست؟ همان‌طور که گفته شد آفاناسی نیکیتین به چندین زبان تسلط داشت: روسی که زبان مادری او بود، ترکی تاتاری -

آذری - ترکمنی - استانبولی، عربی و فارسی و تا حدودی هم به زبان مازنی. جالب توجه است که زبان غالب متن روسی است، ولی در متن عبارات عربی، ترکی، مازنی و فارسی نیز مشاهده می‌شود. او هنگام توصیف تصاویر «دیگری/غریبه» از زبان‌های مختلفی استفاده می‌کند، هم روسی که زبان («خودی») است و هم «غریبه/دیگری» (عربی، فارسی، مازنی، ترکی). تنوع واژگان در متن «گذر...» آفاناسی یکی از ویژگی‌های سبکی آن می‌باشد: رنگ واژه‌ها؛ واژگان مذهبی؛ توهین‌آمیز و ناسزا، لعن و نفرین؛ سوگند واژه‌ها، توبه و استغفار؛ واژه‌های تأییدی، تعدیلی، امری، تصدیق‌گرها و همچنین صفات و واژگان عاطفی. گاهی نویسنده در گفتار خود از گویش و زبان محلی استفاده می‌کند. مانند: «آمیل (آمل)»؛ «خودا»؛ و «راست دنی خودا دونو» که به زبان مازنی است («آمل»؛ «خدا»؛ و «حقیقت/راست را می‌دانی؟، خدا می‌داند»). شهر آمل در نسخه تئلیت با گویش و تلفظ محلی مردم آمل، «آمیل/آمل» «Amil (Amil)» آوانگاری شده است. و واژه درویش به زبان آملی در متن اثر «دریش» نوشته شده است (یحیی‌پور و کریمی مطهر، زیر چاپ). آفاناسی نزدیک به صد واژه از زبان‌های ایرانی مانند فارسی، ترکی و مازنی در اثر خود به کار برده است که برخی از آنها در متن تکرار می‌شوند. «او گاهی برای برخی از واژه‌های فارسی که معادل روسی ندارند با افزودن پسوند آن را روسی‌نیزه کرده است. مانند واژه «نقاره‌چی»، که آفاناسی به نقاره پسوند -ник (نیک) اضافه کرده که در زبان روسی کننده کار است و نقاره‌چی را «نقارنیک» نوشته است» (همان).

۷- نیایش‌های پارسی، عربی، ترکی و مازنی در

«گذر...» آفاناسی نیکیتین

نیایش‌های آفاناسی به زبان‌های روسی، عربی، فارسی، مازنی و ترکی در متن «گذر...» ضبط شده است. «این اثر، از هر نظر، نخستین مورد از نظر طراحی و عملکرد ساختار پنهان «اسلامی» است که برای آشکار کردن محتوای ایدئولوژیک کل اثر اهمیت دارد» (آلیکسیف، ۲۰۰۹، ص ۷۰). آفاناسی واژه «الله» را به چند زبان و گویش نوشته است: الله (عربی)، اول‌لو/ (الله با گویش ترکی-تاتاری)، خدا/خودا (فارسی، مازنی)، دانیری/دانگیری/تنگری/تانری (تاتاری، ترکی قدیم و مغولی)؛ بوخ و بوژه (روسی). نمونه در نسخه‌های اِتر و تئلیت:

Олло, Худо, Бог, Данъиры. (Летописный изв.);

Олло, худо, богъ, богъ, данъгры. (Троицк. изв.)

آلیکسیف معتقد است که «ساختار «الاسم الاعظم» بیانگر اندیشه توحید در «گذر از سه دریا» است که در دو سطح آشکار می‌شود و تاکنون در متون علمی پیرامون «گذر از سه دریا» سخنی در این باب گفته نشده است. اسم خدا در چهار زبان «أول لو، خدا، بوخ، تنگری» وجود چهار مسیر برای رسیدن به هدفی واحد را تأیید می‌کند که هر کدام بسته به متن می‌تواند به یک اندازه درست باشد» (آلیکسیف، ۲۰۰۹، ص ۷۳)

آفاناسی که دلتنگ وطن است هنگام دعا برای وطنش از همه زبان‌ها استفاده کرده است: [تنگری حافظ سرزمین روس باش! أول لو، محفوظش بدار! خودا حافظش باش! هیچ کشوری نظیر آن در این دنیا وجود ندارد. افسوس، کنیازهای سرزمین روس با یکدیگر مانند برادر زندگی نمی‌کنند! سرزمین روس آبادان باد! راست کم دارد. «أول لو، خودا، بوخ، بوخ، دانیری/دانگیری/تنگری»]. (صص ۶۹-۶۸)

به موارد دیگر نیایش‌های آفاناسی که افزون بر روسی از ترکی، عربی، فارسی و مازنی نیز استفاده کرده است، اشاره می‌شود:

- [بوخ أول لو، بوخ کریم، بوخ رحیم، بوخ خودا، بوخ اکبر، بوخ المَلِکُ جل جلاله، أول لو آفریننده/خالق، أول لو رحیم‌الله، تویی أول لو تویی] (ص ۵۸)

- [از أول لو التماس می‌کنم: «أول لو خودا، أول لو الحق، أول لو تویی، أول لو اکبر، أول لو رحیم، أول لو کریم، أول لو رحیم‌الله، أول لو کریم‌الله، أول لو آسمان‌ها، خودا تویی. بوخ یگانه است، تو هُو المَلِکُ جل جلاله، خالق آسمان و زمین»] (ص ۵۷)

تنگری، دانیری یا دانگیری واژه ترکی- تاتاری که در نسخ اتر و تثلیث ضبط شده است. درباره واژه تنگری در لغت‌نامه دهخدا آمده است: «تنگری: در زبان ترکی نام حق تعالی است، نام خدای تعالی به زبان مغولی. نام خدای تعالی نزد ترکان دور، و ترکان نزدیک تانری و تاری گویند.» (دهخدا، ۱۳۸۵، ص ۶۹).

واژه‌های تنگری و سن سن تنگری را که آفاناسی در نیایش‌های خود به کار برده، شاعران ایرانی نیز مانند مولوی

(زبان مادری فارسی) و خاقانی (فارسی یا ترکی) در اشعار فارسی خود به کار برده‌اند.

ترک تویی ز هندوان چهره ترک کم طلب
زآنکه نداد هند را صورت ترک تنگری.

مولانا (مولوی) «دیوان شمس» «غزلیات»: غزل
شماره ۲۴۷۸ (ص ۶۹)

این واژه در زبان فارسی به اشکال گوناگون نوشته شده است: «تَنگِری، تَنگِری، تَنگِره، تَنگِره، تَنری، تَنره، تَنره، تَنرَی و توره» (ویکی فقه). همین‌طور تَنری.

به صلح آمد آن ترک تند عربده کن
گرفت دست مرا گفت تَنری یَرلَعَسُنْ

مولانا (مولوی) «دیوان شمس» «غزلیات»: غزل
شماره ۲۰۸۵

تنگری، سن سن گوی تنگری در شعر خاقانی نیز به کار رفته است:

نایب تنگری تویی، کرده به تیغ هندوی
سنقر کفر پیشه را سن سن گوی تنگری

خاقانی «دیوان اشعار» «قصاید» (شماره ۲۱۴ - مطلع
چهارم) (ص ۶۹)

واژه پرکاربرد دیگر در متن «گذر...» فوطه است که واژه مشترک در زبان‌های عربی، هندی، اردو و فارسی است. نوعی پارچه که در هند استفاده می‌شده و کاربردهای گوناگون داشته ولی آفاناسی همه را فوطه نامیده است. فوطه در زبان هندی و فارسی (لنگ، دستار، ازار، شال و غیره) باتوجه به نوع کاربرد نام‌های گوناگون دارد. این واژه در اشعار فارسی نیز به کار رفته است. نمونه‌هایی از اشعار و کاربرد فوطه:

سوی حوض آمدند نازکنان

گره از بند فوطه بازکنان (هفت‌پیکر، نظامی)

بر تن خویش تو را فوطه کرباسی

به که بر خاکت دیبای سپاهانی (ناصر خسرو)

چو شیخی فوطه پوشیده برون شد

چو رندی دردنوشیده درآمد (خاقانی)

ما فوطه و فوطه‌پوش دیدیم

تسبیح مرایبان شنیدیم (سنایی غزنوی)

بر کشیده فوطه‌ای پاره بسر

هم ز دزد و هم ز خانه بی‌خبر...

الغرض، آن دزد چون چیزی نیافت
 فوطهٔ درویش بگرفت و شتافت...
 دزد شد زان بوالفضولی خشمگین
 بازگشت و فوطه را زد بر زمین
 گفت بس کن فتنه، ای زشت عنود
 آنچه بردیم از تو، این یک فوطه بود...
 گفت در ویرانهٔ دهر سپنج
 گنج ما این فوطه بود، از مال و گنج...
 داده زین یک فوطه ما را، روزگار

هم ضیاع و هم حطام و هم عقار... (پروین اعتصامی)
۸- بسامد واژه‌های نیایشی عربی، فارسی، مازنی
 غیر از اول لو با تلفظ ترکی بقیه واژه‌های نیایشی او

بیشتر عربی و فارسی و گاهی نیز مازنی است. مانند:

«- [دیگر (بقیه را) خودا دانو، اول لو پروردگار دانو. آمین!]
 - [«اول لو پروردگار! اول لو متعال، پادشاه بهشت
 (مالک آسمان‌ها)، آیا به ما وعدهٔ هلاکت در اینجا را داده
 بودی!»]

- [اول لو الحق؛ اول لو پروردگار!]

- من مخلوق تو هستم. پروردگارا، از من روی
 برنگردان، پروردگارا راه راستین را به رویم بگشا، پروردگارا
 مرا به راه راست خود هدایت کن، زیرا در نیازمندی در برابر
 تو نیکوکار نبودم، خداوندا، همه روزهایم را به بدی گذراندم.
 آفریدگار من، [اول لو پروردگار، اول لو یکتا تویی، اول لو کریم،
 اول لو رحیم، اول لو کریم رحیم‌الله؛ الحمدالله].

از جمله کهن‌الگوهایی که آفاناسی نیکیتین در اثر خود
 ذکر کرده است، آیات کتاب مقدس (انجیل و قرآن) و
 اسماء‌الحسنی است که از کتاب مقدس باستانی، قرآن کریم
 گرفته شده است. از جمله دعاهایی که آفاناسی نیکیتین اغلب
 در صحبت‌های خود به کار می‌برد، بیشتر دعاهای مسلمانان
 هستند.

«- [اول لو الحق؛ اول لو پروردگار!]. غیر از او خدای
 دیگری را نمی‌شناسیم.

[اول لو پروردگار!] به لطف خدا از سه دریا گذشتیم.

[دیگر (بقیه را) خودا دانو، اول لو پروردگار دانو. آمین!]
 (۷۹).

آفاناسی یادداشت‌های خود را با آیات ۲۲-۲۴ سورهٔ
 مبارکهٔ الحشر قرآن کریم، ذکر و نیایش به زبان‌های عربی،
 ترکی و فارسی و اسماء‌الحسنی به پایان می‌برد:
 «[بِسْمِ اُولُو الرِّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. اُولُو اکبر، یاقشی خدا، الا
 الله یاقشی خدا. عیسی روح الله علیه‌السلام. اول لو اکبر. لا اِلهَ
 اِلاَّ اللهُ. اول لو پروردگار، الحمدالله، شکر خدا افتاد، بِسْمِ اللّٰهِ
 الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛ هُوَ اللهُ الَّذِیْ لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ
 هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمِ؛ هُوَ اللهُ الَّذِیْ. لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ
 السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهْتَمِیْنُ الْعَزِیْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ، الْخَالِقُ الْبَارِئُ،
 الْمُصَوِّرُ، الْغَفَّارُ، الْقَهَّارُ، الْوَهَّابُ، الرَّزَّاقُ، الْفَتَّاحُ، الْعَلِیْمُ، الْقَابِضُ،
 الْبَاسِطُ، الْخَافِضُ، الرَّافِعُ، الْمُعِزُّ، الْمُذِلُّ، السَّمِیْعُ، الْبَصِیْرُ،
 الْحَكَمُ، الْعَدْلُ، اللَّطِیْفُ»^۱ (ص ۸۰).

از عبارتهای به‌کاررفته و تکراری در متن اثر «اسم
 خدای دیگری را بر زبان نیاورد» (ص ۵۸) و «غیر از او
 خدای دیگری را نمی‌شناسیم» (ص ۷۹) است. مورد اول
 همان ترجمهٔ فادکرونی آذکرکم است. عباراتی که این شک
 را ایجاد می‌کنند که او مسلمان شده بود.

۹- نتیجه‌گیری

با بررسی اثر و وجود دیدگاه‌های گوناگون می‌توان به
 این نتیجه دست یافت که آفاناسی اشاره‌ای به انتخاب اسم
 ایرانی - بسرمنی خود نکرده است. انتخاب این اسم
 همان‌طور که برخی از پژوهشگران معتقدند برای این بوده
 که او در ایران و حکومت بهمنیان در هند که مسلمان بودند
 می‌خواست به اموراتش بهتر رسیدگی شود. آفاناسی ذکر
 نکرده که چه زمانی این اسم را برای خود انتخاب کرده است.
 از طرف دیگر در متن ما شاهد نگرانی‌های آفاناسی از اینکه
 به دلیل نداشتن کتاب‌های مسیحی دیگر نمی‌تواند بر اساس
 آئین و تاریخ مسیحی روزه بگیرد از خداوند طلب بخشش
 می‌کند. همین‌طور در هیچ جایی از متن از تغییر دین خود
 صحبت نمی‌کند. ولی انتخاب نام ایرانی - مسلمانی، گفتن
 شهادتین (بوخ یگانه است؛ [به دین محمد رسول الله]) و
 اعلام یگانگی خدا، خواندن آیات قرآن و ذکر اسماء‌الهی،
 به‌ویژه در بخش پایانی یادداشت‌های وی، پژوهشگران و
 خوانندگان را وادار به شک در تغییر دین او می‌کند. تنها
 چیزی را که به صراحت می‌توان گفت این است که همهٔ
 رفتارها و نیایش‌های آفاناسی با «اهداف انترناسیونالیستی»

^۱ در اینجا برخی از اسماء‌الحسنی که در نسخهٔ اتر حذف شده از نسخهٔ تئلیت
 اضافه شده است.

Bobrov A. G. (2025). QUESTIONS OF TRANSLATION AND COMMENTARY ON "A JOURNEY BEYOND THE THREE SEAS" BY AFANASY NIKITIN. *Issledovatel'skiy Zhurnal Russkogo Yazyka I Literaturny, 13*(1), 11–27. <https://doi.org/10.61186/iarl.25.1>

Hozhenie Hozhenie za tri morya Afanasiya Nikitina: [tekst, perevod, kommentarij] / AN SSSR; izd. podgot. YA. S. Lur'e i L. S. Semenov; [otv. red. YA. S. Lur'e]. Leningrad: Nauka, 1986. (Literaturnye pamyatniki).

<https://fa.wikifeqh.ir/انتگری> (дата обращения: 7.06. 2024)

Kazembek A. K. (1853). Notes (to the text of "The Journey of Afanasy Nikitin"). - // Complete collection of Russian chronicles. St. Petersburg, 1853. Vol. 6: Sofia Chronicles. P. 354-358

Khrustalev D. G. Russkii razvedchik Iusuf Khorasani // Russkii mir. 2023. № 1. Pp. 18–25.

Lihachyov D. S. Velikoe nasledie: Klassicheskie proizvedeniya Drevnej Rusi. 2-e izd., dop. Moscow: Sovremennik, 1979.

Minaev I. P. (1881). Staraya Indiya. Zametki na Hozhenie za tri morya Afanasiya Nikitina // *ZHurnal Ministerstva narodnogo prosveshcheniya. CH. 215. Otd. 2. Pp. 105–241; CH. 216. Otd. 2. Pp. 1–58. Otd. ott. SPb., 1882.*

او مطابقت دارد. او هم مانند بسیاری از نویسندگان پس از خود آکساندر پوشکین، لف تالستوی، ایوان بونین، ویچسلاف ایوانف و دیگران فردی با ایدئال‌های متعالی است که نمی‌تواند تک‌بعدی باشد و برای نظرات دیگران ارزشی قائل نشود. متن اثر نشان می‌دهد که آفاناسی علی‌رغم اختلافات فرهنگی و دینی و به‌دلیل «غریب» بودن و تحمل فشارها در جامعه بیگانه، بدون تعصب و از روی احترام نسبت به ادیان دیگر صحبت می‌کند و معتقد به گفت‌وگویی بین‌فرهنگی جهانی است. او از خونریزی و بی‌عدالتی شکوه می‌کند و دعا می‌کند تا درستی، مودت و دوستی حاکم شود.

منابع

- آفاناسی نیکیتین، «گذر از سه دریا»، (۱۴۰۳)، ترجمه یحیی‌پور مرضیه و کریمی مطهر جان‌اله، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۶ ص. (ترجمه از: آفاناسی نیکیتین، «گذر از سه دریا»؛ متن، ترجمه، توضیحات. فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی. ل.س. سیمیونف مترجم متن روسی باستان و آ.د. ژیل‌تیکوف، مترجم واژه‌ها و عبارات شرقی. تدوین‌کنندگان ی.س. لوریه و ل.س. سیمیونف. لنینگراد: انتشارات ناوکا، ۱۹۸۶)

- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل، (۱۳۷۴)، دیوان، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، چاپ پنجم، تهران: زوآر.

- دهخدا علی‌اکبر. (۱۳۷۷)، لغت‌نامه (فرهنگ‌نامه) در ۱۵ جلد. ویراستاران اصلی: محمد معین و جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مولوی، جلال‌الدین محمد کلیات شمس تبریزی، مصحح فروزانفر بدیع‌الزمان، تهران: انتشارات امیرکبیر.

Alekseev P. V. (2009). *Musul'manskij kod Hozhenija za tri morja Afanasija Nikitina // Mir nauki, kul'tury, obrazovanija. 2009. № 3 (15). Pp. 70–74.*

Bobrov A. G. (2024). Novejshie issledovaniya «Hozheniya za tri morya» Afanasiya Nikitina // *Russkaya literatura. № 2. Pp. 241–254.*

Yahyapour M., Karimi-Motahhar J. (2025).
Persia in the "Voyage Beyond Three
Seas" by Afanasy Nikitin, Russian
Literature, Petersburg, Russia, No. 4.

(The article is in press)

Zavadovskij YU. N. K voprosu o vostochnyh
slovah v «Hozhenii za tri morya»
Afanasiya Nikitina. 1466–1472 gg. //
Trudy Instituta vostokovedeniya
Akademii nauk Uzbekskoj SSR.
Tashkent, 1954. Vyp. III. Pp. 139–145.

Zheltakov A. D. (1986). "Voyage Beyond
Three Seas" by Afanasy Nikitin: [text,
translation, commentary] / USSR
Academy of Sciences; ed. prepared by
Ya. S. Lurye and L. S. Semenov;
[responsible editor Ya. S. Lurye]; [texts
prepared by M. D. Kagan-Tarkovskaya;
trans. by A. D. Zheltakov and L. S.
Semenov; art., archaeological review
and textological commentary by Ya. S.
Lurye; chronological commentary by L.
S. Semenov]. L.: Nauka, 1986. - 213 p.
(Literary monuments).

